

سه شنبه ۱۴۰۰/۸/۴

جلسه ۷۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين واللعن الدائم علی أعدائهم أجمعين من الآن إلى قیام يوم الدين

اللهم كن لوليک الحجة بن الحسن صلواتک علیه وعلی آباءه فی هذه الساعة وفي کل ساعة ولىنا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا حتى تسكنه أرضک طوعا وتمتعه فيها طويلا.

اللهم العن أول ظالم ظلم حقّ محمد وآل محمد وآخر تابع له علی ذلك اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين وشايعة وبايعة وتابعت علی قتله اللهم عنهم جميعا.

السلام عليك يا أبا عبد الله وعلی الارواح التي حلت بفنائک عليك منى سلام الله أبدا ما بقيت وبقى الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد منى لزيارتكم، السلام علی الحسين وعلی علی بن الحسين وعلی أولاد الحسين وعلی أصحاب الحسين.

اللهم خصّ أنت أول ظالم باللعن منى وابدء به أولا ثم العن الثاني والثالث والرابع اللهم العن يزيد خامسا والعن عبيد الله بن زياد وبن مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل أبي سفيان وآل زياد وآل مروان إلى يوم القيامة.

\*\*\*\*\*

کلام در این بود که مباحث اصولی آیا مختص به بالغ است یا اینکه صبی را نیز شامل می شود و این عبارت مرحوم شیخ ره «المكلف» یا عبارت مرحوم آخوند «البالغ الذي وضع علیه القلم» اشکال دارد.

ما عرض کردیم که دو مقام نباید با هم خلط شوند. یک مقام این است که آیا در اصول و در بحث حجج و امارات یا مباحث الفاظ ما باید از صبی بحث کنیم یعنی باید بحث کنیم که اینها برای صبی نیز حجت است یا خیر. دیروز عرض کردیم که باید بحث شود. کسی بیاید و بگوید:

«بالغ غیر مجتهد داخل موضوع هست ولی صبی غیر مجتهد داخل نیست» حرف بی منطقی گفته لذا یا باید بگوید که این مباحث مختص به مجتهد است و برای غیر مجتهد هیچ فایده ای ندارد، خب اگر این چنین بگوید باز هیچ فرقی بین بالغ غیر مجتهد و صبی غیر مجتهد نیست. اما یک وقت هست ما می خواهیم بگوییم که چرا آخوند ره فرموده «البالغ الذی وضع علیه القلم» یا شیخ ره چرا فرموده «اعلم ان المكلف»؟ این یک بحثی هست که ان شاء الله در مباحث می آید، که مرحوم شیخ ره یا مرحوم آخوند در این مقدمه چه کار می خواهند بکنند، می خواهند موضوع مباحث اصولی را طرح کند یا می خواهند نتایج و خلاصه مختارهای خویش را در علم اصول بیان کنند. اگر بخواهند موضوع علم اصول را طرح کنند، قطعاً این کلمه بالغ غلط است حتی اگر مسلک آخوند ره این باشد که برای صبی حجت نیست زیرا ما در اصول از آنهایی که قطعاً حجت هستند که بحث نمی کنیم. هر چیزی که احتمال حجیت آن داده شود را باید بحث کرد حال یا حجت می شود یا حجت نمی شود. مگر آخوند ره از انسداد بحث ننموده، خب ایشان که انسدادی نیست. مگر آخوند ره از حجیت شهرت بحث نکرده، مگر از شرط متاخر بحث نکرده! بحث این نیست که آنهایی را که قبول می کنیم بحث کنیم.

اما اگر آخوند ره در این مقدمه بخواهد نتیجه مباحث آینده را بیان نماید، مختار را بیان نماید لقائل ان يقول که بگوید: این عبارت ایشان درست است زیرا آخوند ره می فرماید: «من برای غیر بالغ حجت نمی دانم» چرا که فرض این است که می خواهد مختارش را بنویسد یعنی نتایج مباحث آینده را می خواهد بنویسد، نه خلاصه موضوع مباحث آینده را. بنابر این هیچ وجهی ندارد که بگوید بالغ و غیر بالغ. پس اگر کسی بخواهد عبارت آخوند ره را توجیه نماید باید همین را بگوید که نظر آخوند ره این می باشد که اینها برای غیر بالغ حجت نیست، مخصوصاً که ایشان در امارات قائل به منجزیت و معذرت است و این دو نسبت به صبی معنی ندارد. این ماحصل عرض ما نسبت به کلمه بالغ.

سوال:

جواب: آن هم توجیه کردیم و گفتیم: حکم وضعی که قطع به منجزیت و معذرت. هر دو را شامل می شود.....

اما کلمه مجتهد. آیا این احکام مختص مجتهد است یا در مورد غیر مجتهد نیز جاری می شود. قبل از آن که وارد این بحث شویم..، یک عویصه ای را طرح کرده اند و آن این می باشد که اصلا این مجتهد چطور فتوی می دهد و اگر فتوی داد چطور مقلد عمل می کند؟ ما فعلا در مقام بیان جواز تقلید نیستیم بلکه می خواهیم بگوییم که این تقلیدی که جوازش مسلم است. جواز تقلید مسلم است و اصلا نیازی به سیره ندارد زیرا مسلم است که همه مردم نمی توانند مجتهد شوند و خداوند سبحان این را نخواسته است. هر کس این را منکر شود به نظر من فصل ناطقیت را از دست داده. همه نمی توانند مجتهد شوند و اگر بر فرض محال بتوانند مجتهد شوند خداوند سبحان نخواسته زیرا موجب اختلال نظام می شود چرا که آن وقت همه باید کارها را تعطیل کنند تا بیایند مجتهد شوند. علاوه بر اینکه عرض کردم نمی توانند یعنی اگر همه مردم حسابی درس بخوانند مثلا یک در هزارم مردم مجتهد می شوند.

حال اگر بخواهند احتیاط کنند، این هم ممکن نیست زیرا قطعا احتیاط کلی خود نیاز به اجتهاد دارد... فکر نمی کنم که طلبه ی خارج خوان بتواند احتیاط کند چرا که باید این شبهه را جواب دهد که در صورت تمکن از اتمثال ظنی تفصیلی - به قول میرزای نائینی ره - نوبت به امثال اجمالی نمی رسد، یا قصد وجه و قصد تمیز، یا بعضی از جاها احتیاط ممکن نیست و یا اینکه در بعضی از جاها تشخیص احتیاط و اینکه احوط چیست مشکل است. پس یا باید در این مسئله مقلد باشد یا اینکه خودش مجتهد باشد. اگر کسی در این حد مجتهد باشد به نظر من با دو سه سال درس خواندن مجتهد مطلق می شود، اگر بتواند واقعا جواب اشکالات را بدهد. خب این شخص چه کار کند؟

آنهايي که می گویند: «تقلید غیر اعلم نیز جایز است» حرف دور از وادی میزند زیرا اصلا ما چه دلیلی بر تقلید غیر اعلم داریم!

سوال:

جواب: شاگردان امام صادق علیه السلام ... وقتی مثلاً از زراره ره می پرسیده کجا یقین داشته که یک اعلمی وجود دارد که اگر فحص نماید پیدا می کند و نظر آن اعلم با نظر ایشان مخالف است. از کجا اینها را می دانسته! بعد هم در زمان امام صادق علیه السلام با الآن ... مثل این می ماند که کسی می خواهد از این بلواری که از حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها به جمکران می رود به سمت جمکران برود و دنبال یک راننده حرفی می گردد. خب به او می گویند: «این مسیر که احتیاج به راننده حرفی ندارد. هر کس باشد به آنجا می برد». اجتهاد در زمان زراره ره... خب زراره ره از مولانا امام صادق علیه السلام می شنیده، خب الآن کسانی که اخبار می شنوند نمی گویند که می خواهم از اعلم خبر بشنوم چرا که همه می گویند فرقی نمی کند. بعد هم کسانی که مردم به آنها رجوع می کردند همه از بزرگان بودند و این طور نبوده که یک چوپانی از بیابان یک جلسه به محضر امام صادق علیه السلام آید و بعد حضرت یک فرمایشی فرموده باشند، بعد مردم از آن چوپان سوال کنند. اینها را که ما یقین نداریم، مواردی که در روایات هست همه از زراره ره و امثال ایشان است، یعنی کسانی که قطعاً جزء رؤوس شاگردان امام صادق علیه السلام بوده اند. آن وقت یک کسی بگوید که در آن زمان تقلید اعلم نبوده... عرض کردم که از کجا می دانستند که کدام یک اعلم است، و نیز به آنها دسترسی داشتند و یقین هم داشتند که نظر او غیر از نظر این بوده و دسترسی به امام صادق علیه السلام نداشتند. اصلاً کسانی که می گویند تقلید غیر اعلم جایز است یقیناً اعلم نیستند. یک نفر اعلم پیدا نمی کنید که این را بگوید.

سوال:

جواب: تقلید اعلم را همین الآن عرض کردم. خب مردم چه کار کنند! دلیل تقلید اعلم از توحید واضح تر است زیرا همان طور که عرض کردم همه که نمی توانند مجتهد شوند. احتیاط که نمی توانند بکنند و خود این احتیاط نیاز به علم و فضل دارد. خب حالا مردم چه کار کنند!؟

سوال:

جواب: اینکه بنده در حد توان احتیاط کنم، خب سه ماه یا شش ماه است بعد باید بمیرم زیرا در حد توان یعنی همان سه ماه، بعد نسل بشر منقرض می شود.

آن وقتی که برخی از منحرفین و معاندین بر علیه کیفیت ارائه شریعت حرف می زنند و چرت و پرت می گفتند - کما اینکه الآن هم برخی مزخرف می گویند - ، خیلی ها خواستند جواب او را بدهند. به نظرم تمام آنها راه را اشتباه می رفتند و هیچ کدام بلد نبودند که درست جواب دهند. همان زمان می خواستم جواب دهم، جواب من این بود که ما این راه را جمع می کنیم. تمام ابزار شناخت دین را که علمای سلف بیان کردن را جمع می کنیم. خب بسم الله الرحمن الرحيم آیا دینی هست یا نه؟ اگر هست حال شما یک طریقی اراده بده. با این جواب هم او هُو می شود و هم یک بچه دو ساله هم می فهمید. اگر امروز در تقلید اعلم اشکال کنیم خب مردم چه کار کنند. لذا اصل تقلید نه سیره می خواهد و... تقلید اعلم هم اگر کسی بگوید نماز سه رکعت است ممکن است درست کند اما تقلید غیر اعلم را کسی نمی تواند. اصلا غیر اعلم چه کاره هست که تقلیدش جایز باشد، نه ولایت دارد و نه می تواند کاری بکند.

فعلا نمی خواهیم وارد بحث تقلید شویم این را عرض کردم چون بعضی می گویند: «ما اخباری هستیم و خودمان روایات را نگاه می کنیم و به آن عمل می کنیم». در یک جلسه قرآن من داشتم قرآن را بلند می خواندم، آنها هم قرآن می خواندند. بعد گفتند: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا». گفتم: تو قرآن می خوانی و من نیز قرآن می خوانم، خب چرا وقتی تو می خوانی من ساکت باشم چرا وقتی من می خوانم تو ساکت نباشی؟! گفتم: من طبق روایت... گفتم: من هم طبق روایت حرف می زنم. آن گاه دیگر هیچ چیز نگفت. تا این اصول را خوب نخوانید و استخوان ها خورد نشود ملا نمی شوید. با سه سال فقه اقتصاد و فقه خانواده و سفیران هدایت و... که مجتهد به وجود نمی آید. برخی از مراجع ماضین که رساله و مقلد داشتند، تازه بیست دور کفایه و مکاسب درس داده بودند، با این حال هیچ کس قبول نداشت که مجتهد هستند.

البته الآن بحث این نیست بلکه بحث در این است که می خواهیم این جواز تقلید از اعلم را که لا شبهة و لا ريب تحليل کنیم و بینیم که چطوری اعلم فتوی می دهد و چطوری مقلد تقلید میکند. عرض شد که دو اشکال هست بدین معنی که یک اشکال وسیع وجود دارد و در برخی موارد اشکال آکد می شود. آن اشکال وسیع این است که آن چه مجتهد از امارات و اصول عملیه بدست می آورد حکم ظاهری ست. موضوع حکم ظاهری من وصل الیه الامارة است. آن مقلدی که اماره به دستش نرسیده و امکان وصل هم وجود ندارد به نحوی که اگر فحص نماید به اماره نمی رسد سوال می کند که آقای مرجع بفرما شما این حکمی که در رساله نوشتید حکم ظاهری ست یا واقعی؟ اگر بفرمایید: حکم واقعی، می گوئیم: شما از کجا می دانید که حکم واقعی است، شما که جاهل به حکم واقعی هستید، شما مخطئه ای هستید، تصویبی که نیستید تا هر چه اماره گفت واقع و فی علم الله همان باشد. خب موضوع حکم ظاهری چه کسی هست؟ موضوع آن کسی هست که وصل الیه الامارة. این مثل این می ماند که شخصی پیش یک مرجعی آید و بگوید: «من حاضرم بذل مال کنم تا در خدمات شما به حج مشرف شوم». بعد دیدند یک نفر دارد تمام اموالش را می فروشد تا به حج برود. از او سوال کردند که این چه کاری هست که می کنی؟ جواب داد: اشتراک احکام بین عالم و جاهل، چون مرجع دارد به مکه می رود من هم باید بروم. می گویند: اشتراک احکام بین عالم و جاهل در جایی هست که در موضوع نیز مشترک باشند لذا کسانی که مثل من، «بذل له الحج» باید حج بروند.

خب در ما نحن فیه مقلد می گوید: آقای مجتهد چنانچه برای شما نماز جمعه واجب باشد یا نماز جمعه حرام باشد، این وجوب یا حرمت به چه عنوانی بر شما ثابت است؟ به عنوان اینکه قامت عندك الامارة» یا «وصلت الیک الامارة» یا «اطلعت علی الحجة» در حالی که من اطلاع پیدا نکردم یا اماره به من واصل نشده. پس بنابر این ما نمی توانیم بگوئیم که مجتهد فتوی به حکم ظاهری دهد و مقلد نیز علم کند. اینجا اشکال این نیست که چطور به حکم ظاهری فتوی می دهد، ما فعلا با این کاری نداریم بلکه اشکال این است که چطور مقلد به آن عمل می کند.

گاهی مواقع اشکال اوسع می شود یعنی اینکه اصلا او چطور فتوی به حکم ظاهری می دهد در جایی که برای خودش اثر ندارد. یک شخصی که رفته مکه یا اصلا مستطیع نیست یا احکام زن ها را می خواهد فتوی بدهد. این اماره ای که قائم شده «الصفرة فی ایامها حیض» اگر صفره ببیند در ایام عادت حیض است، این که برای مرجع محل ابتلا نیست. وقتی که محل ابتلا نیست چطور این اماره در حق او حجت است زیرا شرط حجیت اثر و ثمره عملی است و این، ثمره عملی ندارد.

پس گاهی مواقع اشکال دو امر است ۱- چطور فتوی می دهد ۲- چطور مقلد عمل می کند. گاهی مواقع اشکال یک امر است و آن این می باشد که مقلد چطور عمل می کند.

بله اگر یک مرجعی یک رساله ای بنویسد و فقط آنهایی که قطع وجدانی دارد را در آن بنگارد مثل اینکه بنویسد ایها الناس نماز صبح دو رکعت است، وضو نیز شرط آن است و اگر جنب شدید باید غسل کنید. اصل روزه ماه رمضان هم واجب است، از طلوع آفتاب تا یک ساعت به غروب که یواش یواش استتار قرص می شود. سوال می کنند: ما بقی احکام چی؟ جواب می دهد که مابقی را علم و یقین ندارم. خب مقلد می گوید: این ها که نوشتن نمی خواست و خود ما آنها را می دانستیم. قطعیات فقط مسلمات است، آنها هم که خود مقلد قطع دارد. بله در قطعیات چون به حکم واقعی فتوی می دهد و حکم واقعی مشترک بین عالم و جاهل است... این مطلب را برخی قبول کرده اند و ما نیز در دوره قبل قبول کردیم لکن این دوره عرض می کنیم که حتی در قطعیات، مقلد نمی تواند عمل کند زیرا الآن مجتهد فتوی می دهد که نماز صبح دو رکعت است. اشتراک احکام می گوید که حکم واقعی بین عالم و جاهل یکسان است. خب من چه می دانم که نماز صبح واقعا دو رکعت است. آن عالم می گوید که این حکم واقعی است، خب او یقین دارد من که یقین ندارم. می گویند: تقلید می کند، ادله جواز تقلید می گوید که یقین او برای تو حجت است یعنی تو هم یقین داری که حکم واقعی این است یقین تنزیلی. می گوییم: این از کجا! می گویند: ادله جواز تقلید. می گوییم: ادله جواز تقلید قطع را درست می کند؟ می گویند: بله. می گوییم: اگر قطع را درست می کند ظن را هم باید درست کند.

این که آقای صدر و امثال ایشان، مثل ما در دوره گذشته حرفمان این بوده که نسبت به حکم واقعی عویصه نیست و هر چه عویصه هست در مورد امارات و اصول عملیه است درست نیست بلکه عویصه هم در مورد قطع است و هم در مورد غیر قطع. هر جوابی که قطع را درست کند آن را هم درست می کند. اینکه ما قطع را جدا کنیم و بگوییم در قطع اشکال نیست و در غیر قطع اشکال است صحیح نیست و حرف سخیفی هست.

سوال:

جواب: آخر غیر ضروریات که قطعی نیست.... ما غیر ضروریات کجا قطع داریم..... نه، گفتم مثلاً کسی که تازه مسلمان شده و نمی داند که نماز صبح دو رکعت است. ضروری دین یعنی همه مسلمانان بلد هستند.

سوال:

جواب: آن را می رسیم که حکم انشائی یعنی لو وصل الیه لئنجز..... گفتم که تقلید است..... فعلیت آن به همین قطع است..... الان گفتم که تقلید می خواهد..... نه غیر عرض من چیزی دیگری نیست «اما الوجود ما له من ثانی\*\*\* لیس قراء وراء عبادان»

چهار طریق برای جواب ارائه کرده اند. یک طریق، طریق مرحوم حاج شیخ اصفهانی و مرحوم شیخ اعظم است. ایشان می فرماید: چطور مقلد رجوع می کند. این مجتهد که به حرمت نماز جمعه و عدم اجزاء آن فتوی داد، مقلد می گوید: در نزد من اماره قائم نشده، فحص نکردم. شارع می فرماید: فحص مجتهد فحص مقلد است، وصول به مجتهد وصول به مقلد است، یقین و شک مجتهد یقین و شک مقلد است. به قول حاج شیخ ره، حقیقتاً این مرجع تقلید اعلم - مثل شیخ ره - مخاطب است ولی لباً و عنواناً مقلد و عوام است. یقین مجتهد یقین مقلدش است، وصول اماره به مجتهد وصول اماره به مقلدش است، فحص مجتهد فحص مقلدش است بنابر این مقلد عمل می کند و مشکلی هم ندارد.

ممکن است بگویید که تنزیل و نیابت خلاف ظاهر است. وقتی می گویند «لا تنقض الیقین بالشک لأنک کنت علی یقین من طهارتک» یا «وصلت الیک الامارة» یعنی مباشرةً وصول الیک یا یقین و شک داشته باشد، ظهور اینها در مباشرت است و تنزیل نیاز به دلیل دارد.

حاج شیخ می فرماید: ما هم قبول داریم. این نکته اضافی را از ادله جواز تقلید بدست آوردیم. آقای صدر به این راه دو اشکال کرده است. ۱- خلاصه این ادله جواز تقلید که شما می فرمایید مدلول التزامی آن این است، در صورتی این حرف درست می باشد که تخریج فنی صحیحی برای تقلید غیر از این راه وجود نداشته باشد اما اگر راه دیگری بود دیگری شما نمی توانید بفرمایید که یک نکته اضافی از آن استفاده می شود. ۲- جناب حاج شیخ ره شما با این جوابی که دادید پرونده دلیل مهم و اساسی تقلید یعنی سیره عقلاء را بستید زیرا عقلاء که به مرجع تقلید رجوع می کنند از این باب است که او را خبره می دانند و خود را جاهل حساب می کنند و می گویند: «رجوع جاهل به خبره» در حالی که حقیقت این راهی که شما ارائه دادید این می باشد که هم این مرجع تقلید اعلم جاهل است و هم مقلد، نه او خبره است و نه این. بله او عالم به حکم ظاهری است ولی حکم ظاهری که بین عالم و جاهل مشترک نیست زیرا باید در موضوع مشترک باشند. نماز مرد از حیث جهر و اخفات با مردی که در صدر اسلام می زیسته یکسان است اما با زن فرق می کند، بنابر این زن نمی تواند از این حکم تقلید کند. خب چطور آن جا باید هر دو یک صنف و یک طایفه باشند، اینجا هم باید هر دو از یک صنف و یک طایفه باشند، لذا در ما نحن فیه سیره عقلاء زیر سوال می رود.

سوال: متوجه نشدم بحث در تنزیل بود، چرا باید موضوع ها یکی باشد

جواب: خب شد سوال کردید تا ذیل اشکال را بیان کنم.

آن چیزی که شما از باب تنزیل می گیرید.. خب سیره تنزیل نمی فهمد، و آن چیزی که آنها رجوع می کنند غلط می باشد پس سیره زیر سوال می رود. این اشکالی هست که آقای صدر کرده.

به عقل قاصر فاتر ما این اشکال وارد نیست. (خود این بحث مهم نیست بلکه این نکاتی که در لابه لای این مطالب بحث می شود مهم است مثل این نکته ای الآن می خواهم بگویم و الا ممکن است کسی بگوید که این خطبه مرحوم شیخ و آخوند ره چه اثری دارد تا شما وقت برایش بگذارید) شارع سیره را امضاء می کند یا دلیل و مدرک سیره را؟ قطعاً شارع سیره را امضاء میکند. حال اگر یک جایی مدرک سیره غلط باشد بدین معناست که این سیره حجت نیست، یا اگر ندانیم که مدرکش غلط است یا درست است امضاء سیره به معنای امضاء مدرک است؟ الآن متأسفانه همان طور که در دوره سابق عرض کردیم، هر کس این بدآت هایی که در دین گذاشته شده، احکام خلاف شرعی که در مسائل مستحدثه آورده شده را نگاه کند می بیند یا به سیره عقلاء است یا ارتکاز عقلاء است یا کرامت انسان و بشریت است یا این است که با رأفت اسلامی نمی سازد یا با روح شریعت نمی سازد یا اختلال نظام می شود یا اینکه ما باید اسلام را به دنیا ارائه کنیم و دنیا اینها را نمی پسند. غیر از این ها چیز دیگری نیست و همین هاست. یک جا ندیدم که در مسائل مستحدثه یک شخصی یک حرف جدید خلاف شرع بزند و از کنار دلیلی رد شده باشد.

آقای صدر شارع الآن می بیند که این خلق الله، طلوع فجر که می شود نماز می خوانند و می داند که اینها می گویند: «ما در این وقت نماز می خوانیم زیرا منجمین و اختر شناس ها گفته اند که ستاره سهیل در این جا یک دادی می کشد و جیغ او مانند ندای خروس است یعنی صبح شده». خب حضرت بفرماید: «ستاره سهیل و جیغ یعنی چه». حضرت می بیند جیغ ستاره سهیل ملازم است با طلوع فجر، می فرماید: «خب آنها نمازشان را می خوانند، کاری نداریم». پس اینکه مدرک اشتباه باشد بدین معنی نیست که دلیل از بین برود.

آقای صدر از دو حال خارج نیست یا سیره بر جواز تقلید هست یا نیست. اگر نیست پس نفرماید که شاه دلیل را خراب کردید، دلیلی نیست چه برسد به شاه دلیل، و اگر هست ما با تخریج آن چه کار داریم. مگر الآن یک عوامی خیال میکند اینکه نوشته نماز جمعه مشروع نیست به خاطر

کروناست، در حالی که او می گوید اینکه من می گویم مجزی نیست به خاطر این است که دلیل ندارد و مثلاً همه اطلاقات می گویند که صلاة ظهر بخوانید.

سوال:

جواب: نه، حاج شیخ ره چون میگوید راه عقلی صحیح ندارد..... نه سیره تقلید خارجی را... با تحلیلش کاری ندارد.

و للكلام تتمه و صلى الله على محمد و آله الطاهرين لعنة الله على اعدائهم اجمعين